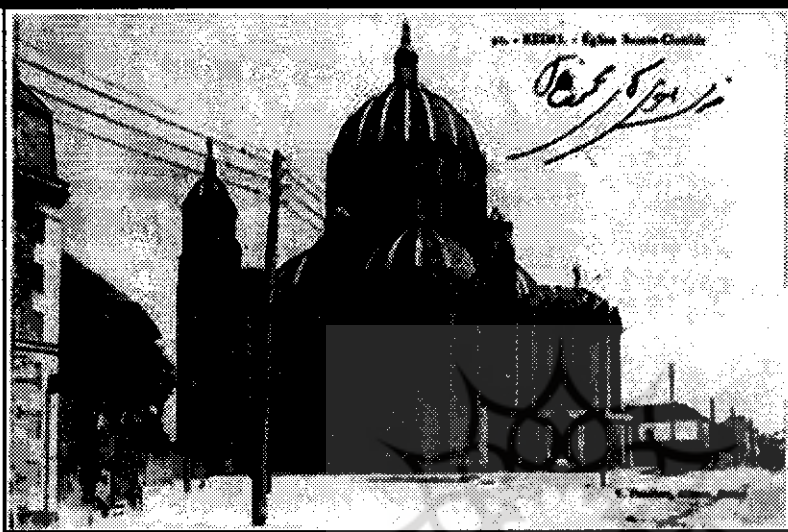


سفرنامه‌ی صادق هدایت



به علت اهمیت شخصیت فرهنگی و تاثیر پذیری بسیار ژرف صادق هدایت در فرهنگ و ادب ایران و جهان، به ویژه نقش این نویسنده توانا در هنر کوتاه نویسی، آن هم در عصری که داستان‌های بلندی مانند بی‌نویان، کنت مونت کریستو، کفش‌های ماهی‌گیر، بر باد رفته، جنگ و صلح و... در فرهنگ داستان نویسی جهان حرف اول را می‌زد، بر هیچ صاحب نظر خردمندی پوشیده نیست. صادق هدایت یکی از داستان نویسان (و کوتاه نویسان) نابغه‌ی عصر خود است که در دوره کوتاه زندگی‌اش توانست نام خود را به عنوان یک ایرانی اندیش مند و نویسنده‌ای توانا در میان تنی چند از بزرگ‌ترین داستان نویسان قرن بیستم ثبت کند. فقط دو کتاب: «بوف کور» و «سگ ول‌گرد» صادق هدایت کافی است تا نویسنده‌گم‌نامی را یک شبه به آوازه‌ای جهان‌گیر برساند.

مجله‌ی فردوسی این بازگشت تابناک فرهنگی را سیاس گزار همکاری دوباره تنها میراث‌دار خاندان هدایت، استاد جهان‌گیر خان هدایت می‌داند که خود پرچم‌دار پر آوازه قلم زنان و نویسنده‌گان دهه‌ی ۴۰ و ۵۰ خورشیدی این مجله بوده است.

استاد، با اعتماد به مجله‌ی خودشان با از خود گذشته‌گی، امانت‌داری و خرد ورزی کامل مطالبی ناگفته، نانوخته و ناخوانده را از لابه لای ماترک فرهنگی آن مرد بزرگ جمع‌آوری، تدوین و تصحیح کرده و به مجله‌ی فردوسی به امانت سپرده‌اند که مدیران مجله آن گونه که شایسته این خرد باوران است، نوشته‌ها و مقاله‌های فرستاده شده را با تمام راز و رمز معنا دار که در تک تک واژه‌گان صادق هدایت نهفته است، به هنگام، چاپ کرده تا نسل میان سال و جوان امروز از آن بهره‌ای در خور برداشت‌های فکری و فرهنگی خود بگیرند و سیاس گزار این امانت‌دار اندیش مند و دراز دامن باشند.

«ایدون باد»

توضیح: شایسته است خواننده‌گان گرامی آگاه باشند که چاپ گزارش صادق هدایت از این سفرها فقط یک گزارش جغرافیایی تاریخی و یا سفرنامه نیست. صادق هدایت در این سفرها به نکته‌های بسیار دقیقی اشاره کرده است که از لابه لای آن می‌توان اوضاع و احوال اجتماعی و سیاسی رامورد بررسی قرار داد و باشخصیت‌های نام آور تاریخ معاصر و عمل کرده‌های آن‌ها آشنا شد.

اشاره:

این نوشته قرار بود که به انضمام کتاب «اصفهان نصف جهان» صادق هدایت توسط نشر صادق هدایت چاپ شود ولی کتاب‌هایی که برای دریافت مجوز ارسال شده‌اند در بند بررسی کتاب مانده‌اند و چون در حال حاضر تصور نمی‌رود این کتاب چاپ شود نوشته‌ی سفرهای صادق هدایت در اختیار مجله‌ی فردوسی قرار داده شد که استفاده شود.



صادق هدایت

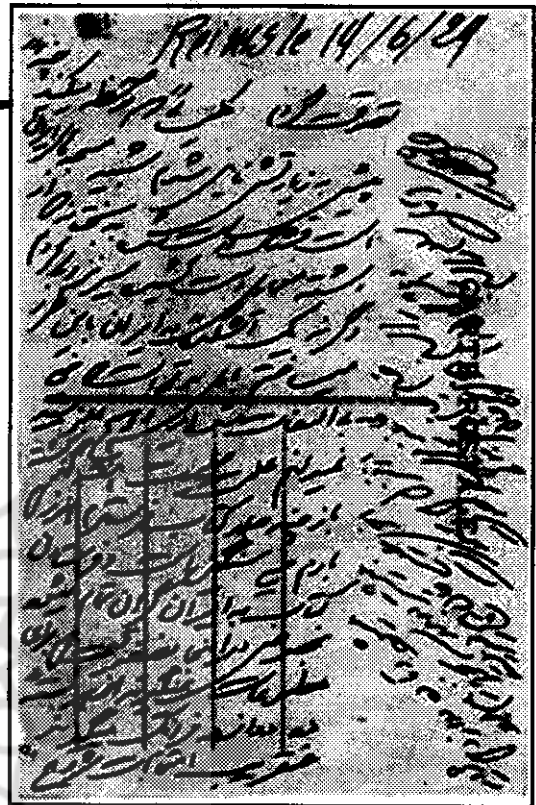
وسفرهایش

اروپا

به صادق هدایت همراه ۱۱۰ نفر دانشجویان ایرانی از طرف وزارت فواید عامه بورس داده می شود که به اروپا عزیمت و در رشته‌ی مورد نظر دولت تحصیل کرده و پس از اتمام تحصیل (به ایران برگردند) برای دولت خدمت کنند.

روز ۵ شهریور ماه ۱۳۰۵ خورشیدی صادق هدایت با اتومبیل ابتدا عازم بندر پهلوی (انزلی) می شود. از آن جا با کشتی عازم یادکوبه و از یادکوبه با ترن ابتدا به مسکو و بعد به برلین و سرانجام به بلژیک و به شهر بروکسل وارد می شود. او قرار است در بندرگان در انستیتو تکنولوژی این شهر ریاضیات عالی بخواند. بعد به پاریس منتقل می شود و چند رشته‌ی تحصیلی مانند: معماری - دندان سازی - ناموررقاهی و ادبیات را عوض کرده و سرانجام در سال ۱۳۰۹ خورشیدی به ایران مراجعت می کند.

صادق هدایت در این مسافرت در فرانسه شهرهای بسیاری مانند: هاور - دوویل - پواتیه - فونتن بلو - نیس و غیره را بازدید و در مجموع با فرهنگ و هنر اروپا در پاریس که در آن ایام مرکز فرهنگ اروپایی بود آشنا می شود. تعداد قابل ملاحظه‌ای از داستان‌ها و گزارش‌های خود را در همین سفر می نویسد. با بسیاری اساتید و بزرگان علم و ادب ارتباط برقرار می کند و با توشه‌ای غنی که برای سال‌ها اورایاری می بخشد به ایران بازمی گردد. صادق هدایت در اردیبهشت ماه ۱۳۰۷ در منطقه‌ی ساموا حوالی پاریس به قصد خودکشی در رودخانه مارن غوطه می خورد اما اورا نجات می دهند. این اولین سفر صادق هدایت به خارج از کشور است و این سفر در ساختن و پرداختن نویسنده، محقق و اندیشمندی چون صادق هدایت اثرات بسیار داشته است.



کارت پستی که صادق هدایت برای برادرش مصدق فرستاده است.

نگاهی به مسافرت‌ها و گردش‌های صادق هدایت

صادق هدایت در روزهای زندگی کوتاه خود چهار مسافرت به خارج از کشور به: اروپا، هند و ازبکستان و پنج مسافرت در داخل ایران به: اصفهان، شیراز، گیلان، آذربایجان، مازندران و چند گردش کوتاه به قلهک و شهریار داشته که اطلاعات مختصری درباره آن‌ها در دست است. البته دو مسافرت انجام نشده هم دارد که یکی به پاریس و دیگری به اصفهان که شرح آن‌ها آمده است.

به طور کلی مهم‌ترین سفر صادق هدایت همان سفر اولیه به اروپا و اقامت چندساله در فرانسه می باشد که در نحوه تفکر و مطالعه و برقراری ارتباط و آگاهی از فرهنگ و تمدن غرب برای او بسیار موثر بوده است. گفتنی است مسافرت به هند نیز برای صادق هدایت دست آورد پر محتوایی داشته که آشنایی و مطالعه‌ی فرهنگ هندی و بودایی و تکمیل کتاب معروف «بوف کور» از آن جمله است.

به جز سفری که صادق هدایت به اصفهان داشته و این مسافرت خود را در کتاب «اصفهان نصف جهان» به تفصیل آورده درباره دیگر مسافرت‌های خود سفرنامه‌ای ندارد و بسیار مختصر در نامه‌هایی که به دوستان خود نوشته مورد اشاره قرار داده و یا هم سفرهای او در یادداشت خودشان مسافرت با صادق هدایت را شرح داده‌اند. بنابراین بیش از آن چه که در این نوشته ملاحظه می فرمایید اطلاعات افزون تری در دسترس نیست و نگارنده با مراجعه به منابع مختلف سعی کرده ام این اطلاعات را گردآوری و آرایه دهم. بدیهی است چنان چه صاحب نظران اطلاعات مستدل و مثبت بیشتری دارند خوش بخت و سپاس گزار می شوم که در اختیار نگارنده قرار دهند.

«جهانگیر هدایت»

۱ مرداد ماه ۱۳۸۱ خورشیدی

سفر شیراز ۱۳۱۲ خورشیدی

صادق هدایت به عمویش سرلشکر دکتر کریم خان هدایت بسیار علاقه مند بود. دکتر کریم خان در شیراز اقامت داشت و سال ها در فارس خدمت می کرد. در بهار سال ۱۳۱۲ صادق هدایت سفر کوتاهی به شیراز کرده در خانه ای عمومی خود اقامت کرد. طبیعی است در این مدت اماکن و ساختمان ها و سایر جاهای دیدنی شیراز را هم بازدید کرد و بعد به تهران بازگشت. ولی ما یادداشت یا سفرنامه ای نظیر آن چه در مورد سفر به اصفهان نوشته شده از صادق هدایت در دست نداریم. فقط عکسی بازمانده که در باغچه ای خانه ای دکتر کریم خان روی صندلی نشسته و عموزاده هایش هم در کنار او هستند. این عکس که قبلا منتشر نشده بود برای نخستین بار در همایش کانون نویسندگان ایران که در ۱۶ خرداد ۱۳۸۱ در گالری سامی برگزار شد مورد استفاده هنرمندان برای ساختن پوستره ای صادق هدایت قرار گرفت.

سفر به هند ۱۳۱۵ خورشیدی

در سال ۱۳۱۴ دکتر شین پرتو از دوستان هدایت از او دعوت می کند که با هم به هند بروند. صادق هدایت که مشتاق چنین مسافرتی بوده از شرکت سهامی کل ساختمان استعفا داده و با آقای شیراز پوریه بمبئی می رود و در تاریخ ۳ دسامبر ۱۹۳۶ میلادی راهی بمبئی می شود. او در بمبئی اقامت می کند و در همین شهر نزد آقای بهرام گورانکل ساریا در انستیتو ک. آر. کاما شرقی به تکمیل زبان پهلوی می پردازد. ضمنا توسط محمدعلی جمال زاده به سر میرزا اسماعیل رییس وزرای ایالت میسور که ایرانی الاصل بوده معرفی می شود و به میسور مسافرت کرده و به قول خودش ۱۵ روز زندگی اعیانی و اشرافی می کند. در همین ایام صادق هدایت متن بوف کور را تکمیل کرده به صورت دست نوشته از طریق تکثیر پلی کپی منتشر می سازد. پنجاه نسخه منتشر می سازد و اجازه نمی دهد در ایران انتشار یابد. در شهریور ۱۳۱۶ خورشیدی صادق هدایت به تهران مراجعت می کند و علاوه بر زبان پهلوی و انتشار بوف کور با فرهنگ و فلسفه و عرفان

هندی از نزدیک آشنا شده که توشه ی مهمی در این سفر است.

سفر به شهریار ۱۳۲۴ خورشیدی

در تابستان این سال سفری به شهریار می کند و شب را در خانه ای یکی از رعیت ها می خوابد. صادق هدایت نام مالک را نوشته بوده ولی دکتر پرویز ناتل خانلری که در حال آن قرض دادن و آن قرض گرفتن بوده نام او را حذف می کند. صادق هدایت در ملاحظاتی که از وضع مردم شهریار می کند می گوید: «تراخم، مالاریا، کفالت، شکنجه های قرون وسطایی و نفاق حکم فرماست»

از بکستان - تاشکند ۱۳۲۴ خورشیدی

در آذرماه ۱۳۲۴ از جانب دانشگاه تاشکند در ازبکستان از چند شخصیت از جمله صادق هدایت دعوت به عمل می آید که برای مدت ۱۵ روزه مناسبت ۲۵ ساله شدن دانشگاه آسیای میانه به آن دیار سفر کنند. در این سفر دکتر علی اکبر سیاسی رییس دانشگاه تهران و دکتر فریدون کشاورز از رؤسای حزب توده نیز دعوت شده بودند. این مسافرت را اداری تلقی می کنند و برای صادق هدایت پاسپورت خدمت صادر می شود. او به شهادت پاسپورت روز هشتم دسامبر ۱۹۴۵ مطابق با ۱۶ آذر ۱۳۲۴ وارد ازبکستان می شود و روز ۲۰ دسامبر ۱۹۴۵ مطابق با ۲۹ آذرماه ۱۳۲۴ باز می گردد. در این مسافرت که از راه زمینی طی می شود صادق هدایت در توس آرامگاه فردوسی را می بیند و مزار غزالی را بازدید می کند. در ازبکستان در شهر نیجروودک زادگاه رودکی حاضر می شود و مزار و موزه او را بازدید می کند. مادر مورد این سفر یادداشت یا سفرنامه ای نداریم و فقط در نامه ی مورخ ۷ ژانویه ۱۹۴۶ مطابق با دوشنبه ۱۷ دی ماه ۱۳۲۴ برای دکتر شهید نورایی در پاریس چنین می نویسد:

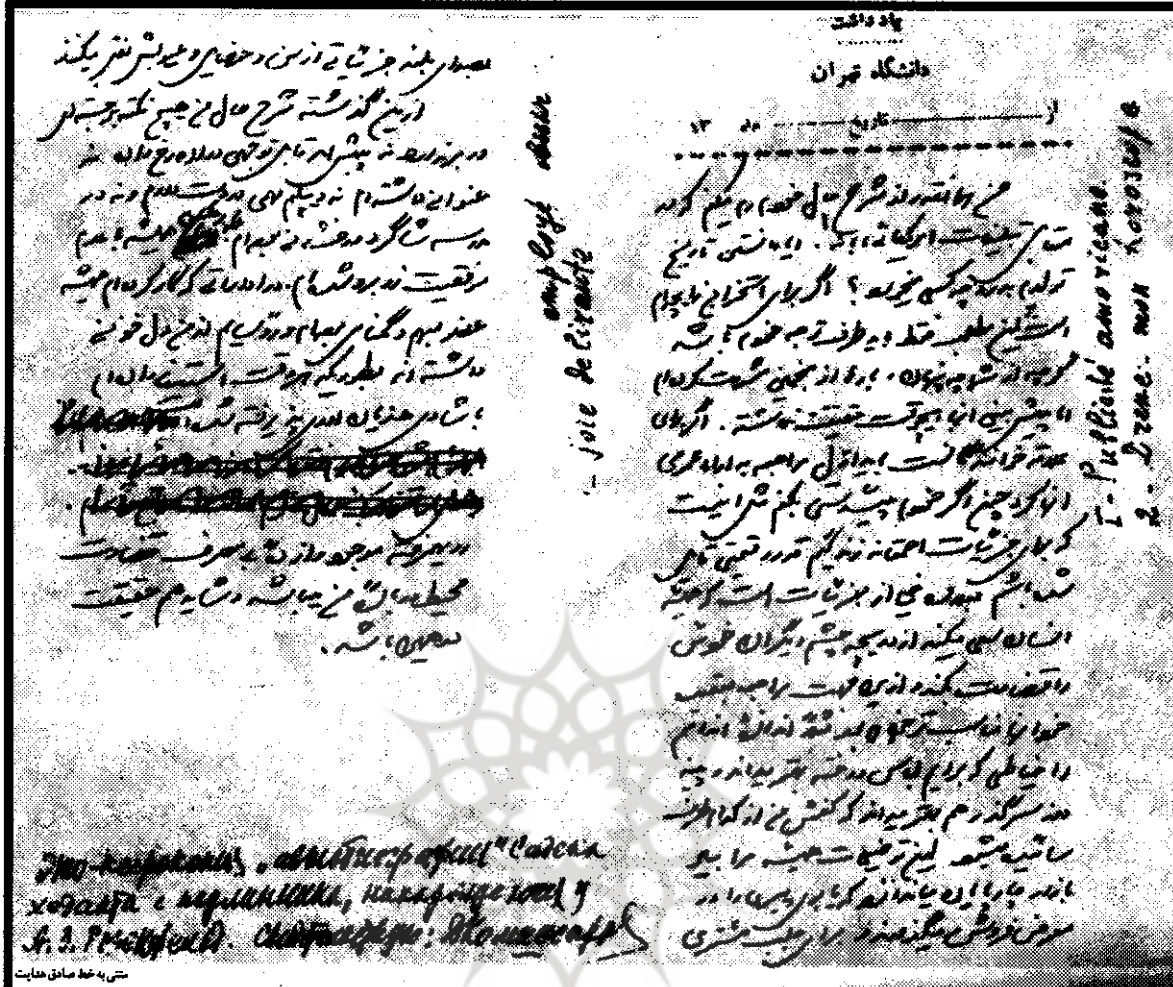
«باری، جای شما خالی، به طور غلط انداز به همراهی آقایان دکتر سیاسی و دکتر کشاورز از طرف انجمن فرهنگی برای ۱۵ روزه مناسبت جشن ۲۵ ساله ای دانشگاه تاشکند دعوت به آن صفحات شدیم. من هم دعوت را اجابت کردم و حالا دو هفته می گذرد که از مسافرت برگشته ام. برای اشخاص

کنجکاو و پر از انرژی چیزهای دیدنی و مقایسه کردنی بسیار داشت و آیینی عبرت به شمار می رفت که در مدت ۲۵ سال کم و بیش یک ملت عقب مانده در تمام شئون فرهنگی و اجتماعی چه ترقیاتی کرده بود. روی هم رفته بسیار خوش گذشت اما چه فایده که به مصداق مثل: «شیخ حسن کشتک رابساب» وقتی که از خواب پریدم باز جلو تفارکشک خودم را دیدم. در مشهد خدمت اخوی بزرگتان رسیدم خیلی اظهار مرحمت کردند.»

سفر مازندران ۱۳۲۵ خورشیدی

در فروردین سال ۱۳۲۵ صادق هدایت و صادق چوبک عازم مازندران می شوند. گرچه صادق هدایت سعی کرده بود این سفر مخفی بماند ولی در کوبه آن ها دکتر پرویز خانلری و علی اصغر سرش و مهندس کام بخش و همسرش دکتر اخترکیا و احسان طبری هم پیدایشان می شود. شمال ایران در آن ایام در اشغال ارتش شوروی بوده و ملاحظاتی این ارتش در آن منطقه برای صادق هدایت بسیار رنج آورنده است. در این روزها بیماری مهلک تیفوس در ایران شایع شده بود و یک سری با تیفوسی را روس ها می آوردند به زور می چپانند توی کوبه ای که صادق هدایت و صادق چوبک بوده اند و در نتیجه آن دو قسمت اعظم بقیه سفر را در راهروی ترن می گذرانند!

پس از ورود به ساری آن ها به میهمان خانه ای می روند (میهمان خانه ی شمال) منوچهر کلیبادی که از خوانین منطقه بوده با صادق هدایت دوستی داشته و بلافاصله مطلع می شود که صادق هدایت در ساری است می آید و چمدان صادق هدایت و صادق چوبک را برمی دارد می برد به باغ بسیار بزرگ و زیبای خودش. جهانگیر و تقی تفضلی هم نزد کلیبادی میهمان بوده اند. صادق هدایت را با صادق چوبک می برند با بلسر می گردانند. پس از پانزده روز گشت و گذار در مازندران صادق هدایت و صادق چوبک با ترن عازم تهران می شوند و در ترن برخورد می کنند به بنان خواننده معروف آن روزها. بنان که از کوبه خودش ناراضی بوده درخواست می کند بیاید به کوبه صادق هدایت و آن جا بساط آواز و موزیک برپا می شود و تا تهران ادامه پیدا می کند.



مسافرت نیمه کاره اصفهان

۱۳۲۷ خورشیدی

سه شنبه ۲۸ دی ماه ۱۳۲۷ که صادق هدایت و دکتر بقایی با هم بوده‌اند دکتر بقایی عازم اصفهان بوده و دعوت می‌کنند که صادق هدایت هم با او به اصفهان برود. صادق هدایت هم دعوت رامی پذیرد و صبح زود به فرودگاه رفته هرطوری بوده بلیت می‌گیرند و وقتی سوار هواپیما می‌شوند هواپیما قادر به پرواز نبوده و کلیه مسافرین راپیاده می‌کنند. در این زمینه صادق هدایت برنامه‌ی مورخ ۱۹ ژانویه ۱۹۴۹ مطابق با ۲۹ دی ماه ۱۳۲۷ برای دوستش دکتر حسن شهیدنورایی درپاریس چنین می‌نویسد: «دکتر بقایی قصد مسافرت اصفهان را داشت و دیشب تصمیم گرفت که مرا هم با خودش ببرد و شبانه به خانه‌ی اورفتیم. صبح خیلی زود به

فرودگاه نزول اجمال کردیم و با تمام زدو بندهایی که کردیم بالاخره موفق به گرفتن بلیت رسمی نشد. مقداری دم سیل چرب کرد و به زور چند وکیل و وزیر پول بلیت را پرداخت اما چیزی که مضحک شد من از پله هواپیما هم بالا رفتم و با نهایت خجالت ما را از هواپیما پایین آوردند و همین». قصد سیر و گشت و دور ریختن نعوت (که هیچ فایده ندارد) به قلهک رفتیم. نمی‌دانم که خوش و یا بد گذشت چون notion (مفهوم) بدی و خوبی را فراموش کرده‌ام اما شاهد قضیه مضحکی شدید و آن وجود اتومبیل شماره یک دولتی در گاراژ سفارت انگلیس، سیزده بدرگاه آقای نخست وزیر بود.

سیزده بدر

سال ۱۳۲۸ خورشیدی

صادق هدایت روز سیزده به در سال ۱۳۲۸ رابا عده‌ای از دوستان برای گشت و گذار به قلهک می‌رود و در همین زمینه برنامه‌ی مورخ ۱۴ آوریل ۱۹۴۹ مطابق با ۱۴ فروردین ۱۳۲۸ برای دوستش حسن شهیدنورایی درپاریس چنین می‌نویسد: «نمی‌دانم باید جایتان را پرو یا خالی بکنم. دیروز که سیزده به در بود با چندتن از رفقا به

کنگره هوا داران صلح - سفر ترفنده

در سال ۱۳۲۸ ژولیو کوری رییس کمیته‌ی جهانی کنگره جهانی روشن فکران برای صلح از صادق هدایت دعوت می‌کنند از ۲۰ تا ۲۵ آوریل ۱۹۴۹ (۳۱ فروردین تا ۵ اردیبهشت ۱۳۲۸) در این کنگره که درپاریس تشکیل می‌شود شرکت کند. صادق هدایت به چند دلیل نمی‌تواند در این کنگره شرکت کند: یکی نداشتن قدرت مالی برای مسافرت است و دیگر چون این کنگره بیشتر عقاید



کمونیستی داشته دولت هم با مسافرت او مخالفت می‌کند. صادق هدایت درنامه‌ی مورخ ۱۶ آوریل ۱۹۴۹ مطابق با شنبه ۲۷ فروردین ۱۳۲۸ برای دکترحسن شهید نورائی درپاریس چنین می‌نویسد:

«اتفاق دیگری افتاده دعوتی است که ژولیو کوری ازاین حقیربرای شرکت درکنگره روشن فکران طرف دار صلح کرده است. طبیعی است که هیچ گونه وسیله برای مسافرت نداشتم. اگر از عزیزدردانه‌ها دعوت شده بوده‌ولت همه جور وسایل رادراختیار آن‌ها می‌گذاشت، اما من حتا جرات تقاضای پاسپورت راندارم. جوابش رادرجوف پاکت تقدیم می‌کنم. چه می‌شود کرد؟ نه داروی مخدر به ما داده‌اند که اراده‌مان را بگیرند و نه زنجیری داریم که از دست بدهیم. بالای سیاهی هم دیگر رنگی نیست.»

ضمن پوزش از عدم حضور، این پیام را نیز برای کنگره می‌فرستد:

«امپریالیست‌ها کشور ما را به زندان بزرگی مبدل ساخته‌اند، سخن گفتن و درست اندیشیدن حرام است. من نظر شما رادردفاع از صلح می‌ستایم.»

سفر به دماوند ۱۳۲۹ خورشیدی

یکی از دوستان صادق هدایت که امکاناتی در دماوند داشته در مردادماه ۱۳۲۹ او را به دماوند دعوت می‌کند و صادق هدایت نیز دعوت را پذیرفته و یک شب در باغ دعوت کننده اقامت داشته است. درباره این سفر یادداشت یا خاطره‌ای ملاحظه نشد ولی در نامه‌ای که در تاریخ ۱۳ اوت ۱۹۵۰ مطابق با ۲۲ مردادماه ۱۳۲۹ برای دکترحسن شهید نورائی به پاریس فرستاده، نوشته است:

«یا حق
هوازیادی گرم بود شخصی ما را به دماوند میهمان کرد دعوتش را اجابت کردم. یک هفته آنجا بودم وقتی که برگشتم نامه‌ی ۳۱ ژوئیه تان (۹ مرداد) رسیده بود. چند روز است که هوانسبتا قابل تحمل شده. به هرحال اوضاع به همان کثافت سابق می‌گذرد شاید خیلی بدتر و کثیف‌تر.»

سفر بدون بازگشت ۱۳۲۹ خورشیدی

خسته، دل مرده، دل سرد، نا امید و همه چیز مبهم و نامعلوم. هر طور هست در ۱۲ آذرماه ۱۳۲۹ عازم فرانسه می‌شود. در پاریس اقامت می‌گزیند. حدود چهار ماه راسپری می‌کند و ناگهان تصمیم به رهایی خود از همه‌ی بندها می‌گیرد. صادق هدایت روز ۱۹ فروردین ماه ۱۳۳۰ در آپارتمان اجاره‌ای خود به گازیانه می‌برد و خود را می‌کشد. او را در گورستان معروف «پرلاشر» به خاک می‌سپارند. او ۴۸ سال داشت که این دنیا را برای مردمان دنیایی گذاشت و آخرین فریاد را در مقابل پاچه ورمالیده‌ها، رجاله‌ها، دزدها، بی‌شرف‌ها، وطن فروش‌ها، پتیاره‌ها و لکاته‌ها کشید و خود را کشت. این فریاد او را اگر با دقت گوش کنید هنوز در بسیاری نقاط جهان می‌شنوند و صادق هدایت را می‌ستایند.

۱- پاسپورت صادق هدایت موجود است.

سفر شمال و آذربایجان ۱۳۲۸ خورشیدی

در تاریخ ۲۶ مردادماه ۱۳۲۸ صادق هدایت سفری به بندر پهلوی، اردبیل و تبریز داشته است. آقای جرجانی از دوستان صادق هدایت در تبریز ماموریت داشته است. در واقع صادق هدایت در تابستان ۱۳۲۸ ابتدا به بندر پهلوی (آنزلی) می‌رود و بعد به اردبیل رفته قدری آن جا استراحت می‌کند و بعد به تبریز می‌رود که ضمناً آقای جرجانی را نیز ملاقات کند.

در نامه‌ای که در تاریخ ۲۴ اوت ۱۹۴۹ مطابق با چهارشنبه ۲ شهریور ۱۳۲۸ برای دکترحسن شهید نورائی در پاریس فرستاده در همین مورد نوشته است:

«یا حق
هفته‌ی گذشته ۵ روزه قصد سیر و گشت از بندر پهلوی به اردبیل و تبریز رفتیم. جرجانی را آن جا در کتابخانه‌اش دیدیم. به کار خودش خیلی علاقه دارد. قرار بود بود این هفته به عنوان مرخصی بیاید تهران هنوز نیامده مخلص با اسهال رقیقی حرکت کردم و با اسهال شدیدتری برگشتم. هنوز هم دست از سرمان برنداشته.»